

# عضو جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

رسول جان با تمام نوشته شما با تمام پوست و گوشت و سلول هایم موافقم. اما دو پرسش دارم. نخست اینکه این دوستان خوب ما که خود را جمهوری خواه، دموکرات و لائیک معرفی می کنند، چرا با ما که سال هاست پرچمدار این حرکت هستیم، همکاری نمی کنند. دروازه های دموکراتیک جنبش ما به روی همه دموکرات ها باز است. نکته دوم، پرسشی از خود شما است که سال ها است در کنار دیگر دوستان کوشش می کنید تا جنبش چپ ایران به وحدت برسد. بهتر از من می دانید که در آنجا هم این دو دیدگاه گذر از جمهوری اسلامی و گذر از کنار جمهوری اسلامی به کمک و یاری روحانی وجود دارد. آیا تلاش برای نزدیکی این دو دیدگاه چپ و ضد چپ، آب در هاون کوبیدن و این گذر را به عقب انداختن نیست؟

---

# عضو جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

رسول جان با تمام نوشته شما با تمام پوست و گوشت و سلول هایم موافقم. اما دو پرسش دارم. نخست این که این دوستان خوب ما که خود را جمهوری خواه، دموکرات و لائیک معرفی می کنند، چرا با ما که سال هاست پرچمدار این حرکت هستیم، همکاری نمی کنند. دروازه های دموکراتیک جنبش ما به روی همه دموکرات ها باز است. نکته دوم، پرسشی از خود شما است که سال ها است در کنار دیگر دوستان کوشش می کنید تا جنبش چپ ایران به وحدت برسد. بهتر از من می دانید که در آنجا هم این دو دیدگاه گذر از جمهوری اسلامی و گذر از کنار جمهوری اسلامی به کمک و یاری روحانی وجود دارد. آیا تلاش برای نزدیکی این دو دیدگاه چپ و ضد چپ، آب در هاون کوبیدن و این گذر را به عقب انداختن نیست؟

---

# نظام حاکم بر ایران

در ایران از صدر مشروطه - چه در دوران سلطنت پهلوی ، و چه در جمهوری اسلامی ( ولایت فقیه ) - هیچ گاه حکومت وجود نداشته. نظامی داشته ایم زیر سلطه و فرمان یک شخص ( شاه و ولایت فقیه ) . فقط چند ماه حکومت مصدق و حکومت بازرگان نفسی کشیدند و دیدم که عمر این حکومت ها نیز طولی نکشید.

---

## جدائی نهاد دین از نهاد حکومت یا نهاد دولت؟

با تشکر از خانم دقیقیان که با بحث خود به روشن تر شدن وجه مهمی از لائیسیتته یاری رسانده اند. نکته‌ای که مرا بر آن داشت تا این چند کلمه را بنویسم، استفاده ایشان از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت» بجای «تفکیک نهاد دین از نهاد دولت» است. در کاربرد این عبارت ایشان تنها نیستند. برخی از صاحب نظران دیگر هم از کلمه حکومت بجای دولت استفاده کرده اند. به این ترتیب طبیعی است که این موضوع باعث سر در گمی خوانندگان گردد، چه به نظر می‌رسد که همه از یک چیز صحبت می‌کنند، اما در قالب عبارات متفاوت. اگر چنین است، بهتر است روشن شود و در آینده عبارت یکسانی برای بیان این منظور بکار رود. اگر چنین نیست، تفاوت در برداشتها مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد. به نظر من عبارت «جدائی نهاد دین از نهاد دولت» درست است. در زیر توضیح می‌دهم و ممنون می‌شوم، اگر خانم دقیقیان هم نظر خود را بنویسند. در زبان آلمانی برای دولت واژه Staat و برای حکومت واژه Regierung وجود دارد. در آلمانی این دو واژه را نمی‌توان به جای یکدیگر بکار برد. بطور نمونه به جای واژه Staatsangehörigkeit (تابعیت) نمی‌توان واژه Regierungsangehörigkeit (عضویت کابینه) را بکار برد. اما در

برخی از نوشته‌های فارسی این دو واژه مترادف بکار گرفته می‌شود. حتی خانم دقیقیان هم که در مقاله همه جا از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد حکومت» صحبت می‌کند، در ویدئوی سخنرانی در یک مورد از عبارت «تفکیک نهاد دین از نهاد دولت» استفاده کرده است. اگر دولت را مجموعه ارگانهای قوای مجریه، مقننه و قضائیه در نظر بگیریم و خواستار جدائی دین از دولت باشیم، به این معنا خواهد بود که عمل کرد این ارگانها را نه دین، بلکه قوانین دموکراتیک مصوب نمایندگان مردم تعیین می‌کند. در این نگاه، حکومت به کابینه متشکل از نخست وزیر و هیئت وزیران اتلاق می‌شود که برای مدت محدودی انتخاب می‌شوند و می‌توانند افرادی دین دار یا بی دین باشند. خواست جدائی نهاد دین از نهاد حکومت(؟) منظوری را که از سکولاریزم، و یا دقیقتر لائیسیته دنبال می‌کنیم، روشن بیان نمی‌کند.

---

## edam

جناب قاسمی با سلام خدمات شما به گمان من نکته ای که در مقاله خوب شما فراموش شده بود، اینستکه اعدام نه در قانون مدنی بلکه در قانون اسلام مندرج است. به حکم تمام فقهای اسلامی اعدام در امر به معروف و نهی از منکر، فرمان است نه مستحب. شک نیست که باید تقلا کرد، ولی نباید که با خواست جلو گیری و توقف اعدام، که طبیعتاً دولت اسلامی مورد خطاب قرار میگیرد، این توهم به وجود بیاید که شاید رژیم ذره ای بویی از انسانیت برده باشد. داعش و القاعده و چن ها همانقدر مسلمان هستند که خمینی، خلخالی احمدی نژاد و خامنه ای. تفاوت ها در مصرف زمانی است نه در اید لوژی. کشتار های ۶۰، ۶۸ تا دیروز و باز هم فردا فراموش نشود. آشنایی از سوئد

---

## نه

به محض این که شما در شمار 2 می گوئید «...فدرال...» و فوراً در شمار 3 بعدی یعنی شمار 3 می گوئید «ملیتهای ایران» و سپس در شماره های بعدی موضوع «برچیدن سلاح های کشتار جمعی» را مطرح می کنید می توانید مطمئن باشید که در هر صورت از دیدگاه من، مقاومت ملت ایران و پیشگامان ایران در مقابل شما نه تنها برای افشای سازمان شما، بلکه برای تخریب نهائی و حذف قطعی شما به عنوان دشمن ملت ایران امری حتمی و ضروری می گردد . می گوئید « برچیدن...سلاح های اتمی ...» ، کدام سلاحی اتمی را شما می خواهید در ایران حذف کنید؟ چرت و پرت گوئی و انجام وظیفه به عنوان سگ خانه زاد امپریالیست ها نیز حد و حدودی دارد ولی گویا که نزد شماها حد و مرزی ندارد . تشکل چپ یعنی چی ؟